

آموزش تحلیل سیاسی / آینده‌ی انقلاب (۳)

سوم، مردمی بودن: «آن چیزی که به وسیله‌ی ابرقدرت‌ها قابل از بین رفتن است، عبارت از حکومتی است که به مردم متکی نیست. آن چیزی که به وسیله‌ی عوامل سازمان جاسوسی آمریکا، در یک کشور قابل برداشتن و گذاشتن است، حکومت یا دولتی است که با مردم رابطه‌ای نداشته باشد و پشتوانه‌ی عظیم قوی مردمی، پشت سرش نباشد. حکومتی که دشمن خارجی می‌تواند چهار نفر را علیه آن به کودتا وادار و تحریک بکند، حکومتی است که روی تخت حکومت نشسته، اما مردم به او وصل نیستند.» (۲۰/۱۱/۱۳۶۸)

حمایت از کالای ایرانی
تابلساسی
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه‌ها و جریانها
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۶۷ / چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۷

سعودی، ناتوان و خسته در برابر مقاومت یمن

وطن امروز: عربستان در یمن در وضعیت بسیار شکننده قرار دارد و موازنه قوای منطقه‌ای نیز عربستان را در محاصره دیگری قرار داده است. در سطح منطقه‌ای تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های متعدد عربستان چه در سوریه، چه در عراق و همچنین در لبنان نتایج ملموسی برای این کشور در پی نداشت و اکنون نیروهای رقبای عربستان در چندین پایتخت عربی قدرت و توان مانور خود را بیش از پیش افزایش داده‌اند. این ۲ موضوع یعنی شکست در یمن و شکست کلی در سطح منطقه، سبب شده عربستانی‌های همچنان بر تداوم جنگ در همسایه جنوبی خود اصرار داشته باشند، زیرا تنها گزینه برای آنان در یمن که نقطه اتکای آنان محسوب می‌شود این است که در این کشور پیروزی بزرگ نظامی به دست آورده و از این موضوع به عنوان پلی برای پایان بخشیدن آبرومندانه به جاه‌طلبی‌های خود در یمن و بهبود جایگاه منطقه‌ای استفاده کنند. یعنی عربستان با استفاده از این پیروزی برای تغییر موازنه قوای موجود و بهبود وضعیت خود استفاده می‌کند. عملیات کنترل الحديدیه نیز در همین راستا انجام شد که دستاوردی برای سعودی‌ها در پی نداشت. تلاش‌های عربستان و امارات در چند هفته گذشته برای حصول توافق با نیروهای «القاعده یمن» و بویژه «داعش» در یمن و گسیل این نیروها به جبهه الحديدیه خود گویای این واقعیت است. توان رزمی و ظرفیت جنگی سعودی‌ها به‌رغم تبلیغات رسانه‌ای بسیار ضعیف و شکننده است؛ آنان اکنون در تلاش هستند از توان رزمی و قدرت جنگی تروریست‌های داعش و القاعده برای جبران ضعف‌های خود استفاده کنند. این ۲ گروه تروریستی تجارب جنگی فراوانی دارند و در انجام جنگ‌های غیرمتعارف و غیرکلاسیک از نیروهای سعودی تجربه بیشتری دارند. عربستان به واسطه اینکه خاستگاه فکری مشترکی با داعش دارد طی سال‌های گذشته از این گروه برای پیشبرد اهداف خود چه در سوریه و چه در عراق استفاده کرده است و اکنون نیز تلاش می‌کند این کارت را برای تضعیف انصارالله به کار گیرد تا حداقل از طریق کارت تروریست‌ها برخی از خواسته‌های خود را به مردم یمن تحمیل کند.

در برابر نژادپرستی

اعتماد: اقدام اخیر صهیونیست‌های افراطی به سرکردگی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و وزیر امور خارجه علنا نژادپرستش «اویگدور لیبرمن» در عنوان کردن و به تصویب رساندن قانون «کشور یهود» در مجلس رژیم صهیونیستی هر قدر خلاف قوانین حقوق بشر و مفسدآمیز و ضددموکراتیک بود و مورد نفرت مردم جهان به خصوص مسلمانان و مردم فلسطینی و یهودیان آگاه قرار گرفت، در عین حال یک نتیجه مثبت و تاثیرگذار در برداشت که نشانه‌های آن به زودی نمایان شد. بعدازظهر دوشنبه نهم مرداد ۱۳۹۷ در تظاهراتی ده‌ها هزار نفری از یهودیان و مسلمانان ساکن اسرائیل به تدبیر قانون «کشور یهود» اعتراض شد در این تظاهرات علاوه بر کثیری از مسلمانان و یهودیانی که در خیابان‌های تل‌آویو حضور یافتند، تعدادی از نمایندگان مجلس اسرائیل «کن‌فست» نیز پیشاپیش صفوف مردم حرکت می‌کردند. از مجموعه ۱۲۰ نفری نمایندگان مجلس رژیم صهیونیستی فقط ۶۱ نفر به قانون کشور یهود رای موافق داشتند و بقیه رای مخالف دادند و این خود لرزان بودن این قانون را به خوبی نشان می‌دهد. نکته جالب توجه اینکه رسانه‌های امریکا و اروپا که تظاهرات چند نفری را در فلان کشور به میل خود بارها تکرار می‌کنند و با آب و تاب آن را تحلیل و بررسی می‌کنند، از تظاهرات ده هزار نفری مردم تل‌آویو در اعتراض به اقدامات دولت اسرائیل و تجزیه و تحلیل آن سخنی نگفته‌اند و از اعلام به موقع آن طفره رفتند. به رغم این بی‌توجهی‌ها پیداست که این پایان ماجرا نیست...! و نژادپرستی و آپارتاید در عصر ما هرچند با سر و صدا عنوان شود در اثر مبارزه مشترک مردم به شکست منجر خواهد شد.

پرتاب ماهواره، با اجازه بزرگ‌ترها!

جوان: براساس اسناد بالادستی نظام، صنعت هوافضا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و در نقشه جامع علمی کشور، دارای اولویت «الف» است. اهمیت ماهواره‌ها موجب شده تا در سند هوافضا در دو بخش هوایی و فضایی، اهداف کلانی در نظر گرفته شود. این در حالی است که به گفته رئیس مرکز ملی فضایی جوامع جهانی به روی پرتاب‌های ماهواره‌ای ما حساس هستند و بنابراین این پروژه دچار وقفه شده است. براساس سند هوافضا، ایران باید تا سال ۱۴۰۴ علاوه بر انجام مأموریت‌های فضایی سرنشین‌دار و قراردادن انسان در مدار، باید به قطب منطقه‌ای و دارای جایگاه برجسته جهانی در حوزه هوایی و هوانوردی تبدیل شود. اتفاقی که با محافظه‌کاری مسئولان بعید به نظر می‌رسد؛ چراکه برخی مدیران تفکرشان این است که باید بابت فعالیت‌های علمی هم از جامعه جهانی اجازه بگیریم. تسلط داشتن ایران در زمینه انجام مأموریت‌های فضایی سرنشین‌دار و قراردادن انسان در مدار با اولویت «توانمندی‌های دانشگاه‌های کشور» از دیگر اهداف تعیین شده در سند جامع توسعه هوافضا است. زمانی که سندی علمی در بالاترین سطح مدیریتی کشور مصوب می‌شود، باید فارغ از تعارفات جهانی و نگرانی از حساسیت برخی کشورها بر افزایش توان علمی خود بکوشیم. آن هم برنامه‌ای که هیچ کجای آن جنبه نظامی ندارد.

دو وحشت عمده آمریکا

کیهان: دو «وحشت راهبردی»، آینده و سیاست های آمریکا در منطقه را بشدت تحت تاثیر قرار داده است؛ سرنوشت اسرائیل و سرنوشت دولت سعودی. برای برون رفت از این دو وحشت، واشنگتن گزینه های مؤثری در اختیار ندارد. قدرت مالی، قدرت نظامی و قدرت ائتلاف سازی، هیچکدام نمی توانند به این دو وحشت راهبردی خاتمه دهند. از این روست که آمریکا در این زمان بیش از هر زمان دیگر به تبلیغات سیاسی و عملیات روانی حول محور «قدرت مؤثر آمریکا» احتیاج مبرم دارد. در واقع این تنها گزینه آمریکاست. در این خصوص گفتنی هایی وجود دارد:

۱- تا چهار دهه پیش منطقه ما به جز چند استثنا تحت سیطره سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی آمریکا قرار داشت، ایران، ترکیه، مصر، عربستان، پاکستان، رژیم جعلی اسرائیل، اردن، لبنان، مراکش، یمن شمالی، عمان، هند و... حد فاصل شبه قاره تا غرب قاره آفریقا در قرنطینه واقعی و همه جانبه آمریکا قرار داشت. ۲- پایه اصلی اقتدار آمریکا در منطقه، قدرت نظامی آن بود. این قدرت توانسته بود از آمریکا «سیطره ای بی بدیل» به تصویر درآورد. استراتژی در واقع «هنر مدیریت درست امکانات و موقعیت ها برای حداکثرسازی منافع و کاستن از تهدیدات اساسی است». هم اکنون جمع بندی ارتش آمریکا و پنتاگون این است که جنگ افزارهای زمینی، دریایی و هوایی آمریکا بخصوص جنگ افزارهای غول پیکر نظیر ناوهای هواپیمابر به جای آنکه بال حرکت آمریکا در مواجهه با مخالفان آن باشند، ورز و وبال آمریکا هستند. ۳- فلسفه وجودی اسرائیل براساس بیانیه رسمی «گلدمایر» حفاظت از منافع غرب در آسیا و گسترش آن بوده است. بالفور از مقامات مؤثر انگلیسی در تأسیس رژیم صهیونیستی نیز با صراحت گفت اسرائیل پیشانی جنگی ما در آسیا علیه مخالفان است. امروز اما تصویری که اروپایی ها و آمریکایی ها از اسرائیل دارند به هیچ وجه با این ایده همخوانی ندارد. اسرائیل دیگر پیشانی جنگی غرب نیست کما اینکه نتوانست در بحران سوریه که بر مبنای حذف اسد از قدرت اندک کمکی به غرب بکند. اسرائیل امروز نیازمند سیاست های حفاظتی است و این نشان می دهد اسرائیل دیگر «مهاجم» نیست. ۴- رژیم عربستان سعودی نیز هم اینک به یک نگرانی عمده برای آمریکا تبدیل شده است. غرب به کمک عربستان امپراتوری نیمه جان عثمانی را در بخش عربی شکست داد. با کمک عربستان رژیم صهیونیستی را تاسیس کرد. با کمک عربستان، جبهه ای- نیم بند- منطقه ای علیه ایران شکل داد. در دوره نیکسون، آمریکایی ها با صراحت از عربستان به عنوان «ستون مالی» سیاست های خارجی خود یاد می کردند و چند سال پیش هنری کیسینجر وزیر خارجه دهه ۱۳۵۰ گفت مقامات سعودی انبارداران ما هستند. اما هم اینک آمریکا نسبت به بقای رژیم و حتی کشوری با مختصات کنونی عربستان به شدت تردید دارد. آمریکا در مواجهه با عربستان با یک پارادوکس مواجه می باشد. از یک سو جنبه های قبایلی، دیکتاتوری، حکومت خانواده و اداره سنتی عربستان را عامل قطعی تغییر حکومت در آینده ای نزدیک تلقی می کند و از سوی دیگر بافت سیاسی اجتماعی عربستان را مانع «تغییرات مسالمت آمیز» می داند و از این رو، واشنگتن از دست زدن به تغییر در عربستان هراس دارد.

اراده تغییر

صبح نو: طرح این بحث که وضع موجود ماحصل سوءمدیریت در داخل است یا ریشه در مسائل خارجی دارد، مانند آن موضوع تکراری انشاست که علم بهتر است یا ثروت. علم و ثروت قیاس ناپذیرند و امروز تقریباً اثبات شده که علم قدرت و ثروت و مکتب را در یک بسته می‌تواند عرضه کند. سوءمدیریت داخلی، ریشه و بنیان همه ناکارآمدی‌هاست و البته چون ما در محیطی بزرگ قرار داریم، طبعاً از فعل و انفعالات خارجی نیز متأثر هستیم. حل مشکلات کنونی ممکن است؛ این ممکن بودن از لسان متخصصان دلسوز و اهل فن منصف، با رفع ناکارآمدی دولتی مهیا می‌شود و از ظن بخشی از اهل سیاست و مدیریت که حال و توان کار را ندارد، باید به صورت مستعمره شدن ایران فراهم شود. درصد بالایی از مردم هم فساد و رشوه و ناکارآمدی را متأثر از ضعف مدیریتی می‌دانند و این یک باور فراگیر است. متأسفانه برخلاف این باور و خواسته عمومی، دولت ظاهراً اراده‌ای برای تغییر ندارد و حتی از ابتکار عمل‌های جزئی و کوتاه مدتی مانند ترمیم کابینه نیز منصرف شده است. مقاومت در برابر برخورد با سوءتدبیر در بازار سرمایه یکی دیگر از این مصادیق فقدان اراده بر تغییر در وضع موجود است و مواردی دیگر از این دست. این‌ها بدگمانی‌ها را تقویت می‌کند که میان سخن و عمل بخشی از مدیران دولتی، تفاوت وجود دارد و این نمی‌تواند حل‌کننده مشکلات کشور باشد.

انقلاب اسلامی، هنوز هم نخبگان سیاسی ایران را متحد می‌کند

فارس: (وندی شرمین) بسیاری از مقام‌های بلندپایه حکومت ایران مستقیماً در آن انقلاب مشارکت کردند. موفقیت آنها دنیا را حیرت زده کرد و احساس تجارب مشترک، هنوز هم نخبگان سیاسی چند دسته ایران را به هم پیوند می‌دهد. این روحیه انقلابی در درک نحوه نگاه ایرانی‌ها به مذاکرات هسته‌ای، حائز اهمیت است. رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ تصمیم گرفت ایالات متحده را از توافق برجام خارج کرده و تحریم‌های رفع شده علیه ایران به موجب توافق را احیا کند و این اقدامی است که در تاریخ آمریکا به عنوان یکی از بدترین خبط‌های سیاست خارجی خواهد ماند.

